

خلاف فکری، و بد آموزی

دو عامل بزرگ بحرانهای اجتماعی ما

کاش از من بسته بودی چشم و گوش!
دشمن جان من است این عقل و هوش!

موجب این نمی شود که آنها نیز ما را فراموش کنند و دست از سر ما بردارند، پس عاقلانه تر این است که آنها را بشناسیم و برای آنها چاره‌ای بیابیم.

* * *

کمترین تماس با اجتماعات کنونی نشان می‌دهد که بستریت روه «بیهودگی» و «سکسن همه» مرزهای اخلاقی و سنتی و یک نوع هرج و مرج اجتماعی پیش می‌رود، و در این میان بیش از همه جوانان در خطرند.

گرایش به سکتب‌های مادی، و جذب به سوی «دینی آرژنتی» یا به سوی «ارزشهای موهوم» از نشانه‌های بزرگ این خطر است.

این هرج و مرج فکری و اخلاقی که غالباً خود را در پناه «ایسم‌ها» و گاهی در پناه «هنر» و «مد» و «نوآوری» و حتی «قانون» استنمار میکند همان چیزی است که انسان عصر فضا را که در آسیر نیروهای مختلف طبیعی به پیروزی درخشان و چشمگیری نائل شده، ضعیف و ناتوان

بسیارند کسانی که تنها راه مبارزه با خطرات و حوادث دیدناکی را که در پیرامون آنها می‌گذرد نادیده گرفتن و فراموش کردن آنها میدانند.

این همان روش سر و قشعست کبکها در روزهای برفی است که با سلاخ می‌خواهند با فروردین سر و سر برف خود را در برابر دبه‌گان تبریزین بسیار استوار کنند.

مسلماً شکست و یا مرگی که در انتظار اینگونه افراد است بسیار آسانتر و اسفناکتر از کسانی است که واقعات را، هر چند تلخ و ناگوار باشد شناخته‌اند و به مبارزه با عوامل منفی می‌نایستند؛ پیروزی این دسته بسیار نزدیکتر و اگر هم شکستی داشته باشند در اقتضا و افتخار آمیز خواهد بود. در میادین اجتماعی گام نخستین همین

درک واقعات تلخ و ناگوار است، زیرا :
پنهان داشتن درد درد را دوا نمی‌کند
نادیده گرفتن مشکلات کمکی به حل مشکلات نمی‌کند.

فراموش کردن قوانین و اصول حیات و زندگی

ساخته است. و یار سنگین سابقه تسلیماتی دستگامهای پر عرض و طول اخلاقی، زندانیهای وسیع بیمارستانهای روز افزون روانی را پر دوش او گذارده؛ و چیزی نمائند که در زیر این ادقظت فرما زانو بزند.

اینها حقایق دردناکی است که باید آنها درک کرد و با جستجوی موادی آن پرداخت.

خلاصه فکری

پژوهشهای مختلف نشان میدهد که دو عامل بیش از همه عوامل در بوجود آوردن این بحران **خطرناک اجتماعی** مؤثر است.

۱- خلاصه فکری

مسئله انسان نمی تواند خلاصه فکری را برای مدتی طولانی تحمل کند همانطور که نمی تواند حالت هیپوژنی را برای یک مدت طولانی بپذیرد حال اگر با تعلیمات صحیح و مثبتی این فضای خالی پر شد چه بهتر، وگرنه نخستین مکتب ظاهر فکری هر چند بر پایه موعوم و بر اساس باشد که بر سر راه او آشکار شد آنرا خواهد پذیرفت. گرایش انسان در طول تاریخ با واقع پرستی و با موعومات و خرافاتی که از شبیدن آن تعجب نمی کنیم از همین جا سرچشمه گرفته است.

دین به همین دلیل است که بی گوئی هیچ انسانی نمی تواند خلاصه ذهنی در روح خود داشته باشد و لذا می بینیم کلمه نیستیها که پرچمدار مبارذات شد مذهبی هستند پس از شستن آثار همه مذاهب از روح و جان خود تازه سر از سرستی در آورده اند آنها به تکار دلین و دمار کس به بیان انداره

احترام می گذارند که بیرون مذهب نیست « کتابهای آسمانی، و در برابر این انسانها و افکار آنها که مسلماً از حسلا و اشتیاق مومن نبوده است حالتی شبیه پرستش بخود گرفته و هر گونه تجدید نظر طلبی در افکار و مکتب آنها را بیان تجدید نظر در وحی آسمانی کنایه نابخشودنی و یکنوع «از تداوم! میسرند که این خود داستان مشروح جداگانه ای دارد.

و اما ترتیب مبارزه با خدای پرستی سراز «انسان پرستی» و بت پرستی در آورده است!

و تا زمانی که ما با مکتبهای همچون مکتب پیامبران راهنماین و تعلیمات مسیحی همچون تعلیمات عالی اسلام که از هر گونه خرافاتی پیرامی باشد این فضای خالی روح جوانان خود را پر نکنیم انتظار عدم گرایش به این مکتب و آن مکتب غیر انسانی بیهوده است.

این روحانی است که بردوش دانشمندان و متفکرانی که از دردها آگاهند، و به طرفه دماغی نویسی احاطه دارند، و نیازمند به روح زمان را درک می کنند گذارده شده، اینها باید با استفاده از قدرت فکری قلم و بیان خود، طرحهای فلسفی و اجتماعی اسلام را در یک سطح وسیع و گسترده، و خالی از هر گونه باهم و خرافات عرضه کنند تا این خلاصه بطرز صحیح و عاقلانه پر شود، و جانی برای مکتبها که راه کننده باقی نماند.

۲- بد آموزیها

گسترش وسائل بد آموزی در سرما راستی غوغا میکند.

یک داستان عشقی غلط، یک زمان پلیسی، یک فیلم جنائی کافی است که عوجی از فساد در پیچیده

اجتماع بر انگیزد و جامعه ای را نامتها اگر فنار هواب دردمالک آن کند.

بمنوان نمونه به نسبت این شاهد زنده دراکه از تازه ترین نمونه تئاتر این گونه بد آموزها است مورد بررسی قرار دهیم.

آقای که خود را بنام «دیوانه معرفی می کرد با یک شقه سحرانه مبتلی در حدود ۳ میلیون تومان از شرکت هواپیمائی کاتاس گرفته ما چرا از این قرار بود که او به وزارت امور هواپیمائی تلفن کرد و گفت که در سفر و دستگاه بین اعلی سیدنی (استرالیا) بمبئی قرار داده شدند است!

پلیس بلافاصله وارد عمل شد و یک شب در گوشه ای از ساختمان فرودگاه کشف کرد این بمب دارای ساختمان مخصوص بوده که ممکن بود در داخل هواپیما در ارتفاع بمبئی منفجر گردد.

در یادداشتی که در کنار آن وجود داشت این جمله دیده میشد: که در یک هواپیمای جت بوئینگ ۷۰۷ قرار بمبئی مشابه آن قرار داده شده است. مطلب فوقاً به خلیان هواپیما خبر داده شد و بلافاصله کاوش هواپیما شروع کرد، و هر چه گردش کردند چیزی نیافتند؛ فوقاً دستور بازگشت به هواپیما داده شد. لحظاتی بسیار ناگواری بر مسافران و کارکنان می گذشت. و کارکنان فرودگاه بحال آماده باش درآمدند و پلیس فرودگاه را محاصره کرد در این هنگام دوباره تلفن دفتر شرکت هواپیمائی بمبئی در آمد از آن سوی تلفن آقای «دیوانه» گفت که ۵۰۰ هزار دلار می گورد تا جای بمب را در هواپیما معرفی کند برای نجات این هواپیمای غول پیکر و سر نشینان آن ترتیب پرداخت پول داده شد پس از آنکه پول به سر نشین آتومبیلی

که در محل بمبئی قرار ملاقات گذارده بود تحویل گردید و اتومبیل دور گشت به دفتر هواپیمائی اطلاع داده شد که اصولاً بمب در هواپیما وجود ندارد! و این واقعه عیناً از روی فیلمی که یک هفته قبل در تلویزیون سیدنی نمایش داده شده بود اقتباس و تقلید شده بود!

تظیر این واقعه در سفرهای مسافران با کتاها، فراد دختران و پسران از خانواده ها، پیوستن به ایتهای قاچاقچیان مواد مخدره، ارتکاب قتل و جنایت، عیساری از کشورهای جهان در اجتماع «ابه چشم میخورد.

مطبوعات نجارتی؛ و فیلمهای بازاری؛ در نیای امروز بصورت یکی از بزرگترین کانونهای بد آموزی در آمده اند و بدون هیچگونه ضرورت و دلیلی دست آنها در این گونه موعومات باز گذارده شده است.

این روز یک رسالت دیگر دانشمندان و نویسندگان و گویندگان در اجتماعات کنونی است که خطر عظیم و زیانها و خسارتهای فزاینده جبرانی که از پرورش مسلحانه بمبازی از فیلمها و مطبوعات به افکار و عقاید و احساسات مردم مخصوصاً صابخته جوانان و نژادت سرما بهای اخلاقی آنها بار گویند و روشن سازند که جوامع انسانی امروز چه غرامتهای سنگینی از این رهگذر می بردارد.

و تا این دو موضوع حل نشود، مشکلات کنونی همچنان لا ینحل خواهد ماند.